

Formulation of Orphan Archetype in the Realism Literary Style of Iran's 1960s and 1970s

**(Case Study: *The Patience Stone, the Mourners of Bayal, the
Neighbors, Abshuran, Missing Soluch*)**

Ebrahim Khodayar*

Saeedeh Mazdarani**

Abstract

The literary style of realism without any judgment in simple language familiarizes people with the contradictions, beliefs and realities of society. The content of these works can provide useful and practical information for the mental development of individuals and societies. Swiss psychologist Carl Gustav Jung's archetypal theory also familiarizes us with collective unconsciousness. Collective unconscious contents are ancient constant and repetitive archetype that are activated by external actions and flow from the unconscious level to the conscious level. From Jung's point of view, literature is one of the sources by which archetypes can manifest their nature. According to this theory, Carol S. Pearson, an American researcher, introduces twelve archetypes. Orphan is one of these archetypes. This archetype is activated in the collective unconscious part of the psyche by people facing oppression, discrimination and frustration and ultimately brings realism to them. In this research, five realist works of 1960s and 1970s of Iran's realistic literature were investigated by descriptive-

* Associate Professor of Persian language and literature, Tarbiat Modares University, Tehran,
hesam_khl@modares.ac.ir

** Master of Art Research, Faculty of art, Sooreh University, Tehran (corresponding Author),
Mazdarani.saeedeh@gmail.com

Date received: 2022/10/06, Date of acceptance: 2023/03/12



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

analytical method from the perspective of orphan archetype. Based on the obtained results, the realism literary style which represents oppression and injustice in societies, is a suitable platform for displaying an orphan archetype. An archetype that is activated by rejection and oppression and emphasizes realism.

Keywords: Gustave Jung, Carol S. Pearson, Realism, The Orphan Archetype.

صورت‌بندی کهن‌الگوی یتیم در آثار ادبی رئالیستی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ایران (مطالعه موردی: سنگ صبور، عزاداران بیل، همسایه‌ها، آبشوران، و جای خالی سلوچ)

ابراهیم خدایار*

سعیده مزدارانی**

چکیده

سبک ادبی رئالیسم با زبانی ساده، بدون هیچ قضاوتی، افراد را با تضادهای باورها، و واقعیت‌های جامعه آشنا می‌کند. از این رو، محتوای این آثار می‌تواند اطلاعات کاربردی و مفیدی در جهت رشد روان افراد و جوامع ارائه دهد. نظریه کهن‌الگوی کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس سوئیسی، نیز ما را با ناخودآگاه جمعی آشنا می‌کند. محتویات ناخودآگاه جمعی کهن‌الگوهای ثابت و تکرارشونده‌ای اند که بر اثر کنش‌های بیرونی فعال می‌شوند و از سطح ناخودآگاه به سطح خودآگاه روان می‌آیند. به اعتقاد یونگ، ادبیات یکی از منابعی است که کهن‌الگوها می‌توانند به وسیله آن ماهیت خود را نمایان کنند. براساس این نظریه، کارول اس. پیرسون، پژوهش‌گر آمریکایی، به معرفی دوازده کهن‌الگو می‌پردازد؛ یتیم یکی از این کهن‌الگوهاست. این کهن‌الگو بر اثر مواجهه افراد با ظلم، تبعیض، و سرخوردگی در بخش ناخودآگاه جمعی روان فعال می‌شود و در نهایت واقع‌گرایی را برای آن‌ها به‌ارمغان می‌آورد.

* دانشجویار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، hesam_kh1@modares.ac.ir

** کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه سوره، تهران (نویسنده مسئول)

Mazdarani.saeedeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

در این پژوهش، پنج اثر رئالیستی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ایران (سنگ صبور، عزاداران بیل، همسایه‌ها، آبشوران، و جای خالی سلوچ) به شیوه توصیفی - تحلیلی از منظر کهن‌الگوی یتیم بررسی شده است. براساس نتیجه به دست آمده، ادبیات رئالیستی، که بیان‌گر ظلم و بی‌عدالتی در جوامع است، بستر مناسبی برای نمایش کهن‌الگوی یتیم است؛ کهن‌الگویی که با طردشدن و ظلم فعال می‌شود و بر واقع‌گرایی تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم، کارول پیرسون، کهن‌الگوی یتیم، گوستاو یونگ.

۱. مقدمه

نیاز انسان عصر رنسانس خروج از دنیای ذهن و ورود به جهان واقع بود؛ جهانی که در آن از منظری عینی بتوان به شناخت، کشف، و خلق پرداخت. این جهان واقع، که به اصالت واقعیت خارجی پای‌بند است، در فلسفه «جهان رئالیستی» نامیده می‌شود. جهان رئالیستی در برابر تفکر پیشین خود، یعنی ایدئالیسم، قرار می‌گیرد، که بر اصالت ذهن تأکید دارد. این بینش نخست در نقاشی و سپس در ادبیات شکل گرفت. بنابراین، رئالیسم سبکی برآمده از عصر ایدئالیستی و رمانتیک پیشین خود است و بر بیان واقعیت‌ها و روی داده‌های جامعه تأکید دارد (طباطبایی بی‌تا: ج ۱، ۶۱، پاورقی).

عصر رئالیستی عصر فیلسوفان، دانشمندان، و هنرمندان روشن‌فکر، عقل‌گرا، و منتقد بود. آن‌ها راه شناخت جهان و پیشرفت بشر را در داشتن نگاهی علمی و واقع‌گرایانه به جهان می‌دیدند. مثلاً، دانشمندی هم‌چون داروین نظم و کارکردهای جهان را براساس فرایند طبیعی و مکانیکی طبیعت تعریف کرد (سهاکیان ۱۳۹۸: ۳۲۵). اگوست کنت، فیلسوف فرانسوی، نیز با نظریات پوزیتیویستی (اثباتی) خود، که در جهت ایجاد صلح اجتماعی و بازسازی قوانین جامعه به نفع همه طبقات ارائه شد، نجات جامعه بشری را نه از طریق فرقه‌گرایی، بلکه در مسیر علم و اخلاق می‌دانست (همان: ۳۴۷). سرانجام، با انتشار جزوه انقلابی موسوم به «مانیفست حزب کمونیست» در ۱۸۴۸ میلادی، توسط کارل مارکس، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی، مفاهیمی هم‌چون سرمایه‌داری، از خودبیگانگی، خرافات، کثرت و ناهماهنگی، انزواطلبی، فقر، و برده‌داری وارد مضامین آثار هنری و به‌طور خاص ادبیات رئالیستی شد.

در ایران نیز از نیمه دهه ۱۳۴۰ شمسی، با شکل‌گیری مجدد تفکر حزب کمونیست و همین‌طور اجرای طرح اصلاحات ارضی و مهاجرت روستاییان به شهر، آثار ادبی رئالیستی

صورت‌بندی کهن‌الگوی یتیم ... (ابراهیم خدایار و سعیده مزدارانی) ۲۵

متعددی با مضامینی هم‌چون ازخودبیگانگی، فقر، خرافات، بی‌مسئولیتی اجتماعی، پول‌پرستی، و قدرت‌طلبی به‌چاپ رسید. این روند در دهه ۱۳۵۰ هم ادامه می‌یابد تا به انقلاب سال ۱۳۵۷ منجر می‌شود (مریدی ۱۳۹۷: ۱۲۴).

منابع رئالیستی، از آن‌جاکه با نگاهی واقع‌بینانه به شرح جوامع می‌پردازند، منابعی مطلوب برای پژوهش‌های روان‌شناختی به‌شمار می‌آیند. زیگموند فروید، روان‌کاو اتریشی، و کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس سوئیسی، از بنیان‌گذاران مدرن روان‌کاوی‌اند و نظریه ناخودآگاه آنان تحول بزرگی در علم روان‌شناسی ایجاد کرد. یونگ، علاوه‌بر نظریه ناخودآگاه فردی (personal unconscious)، بخش دیگری از ناخودآگاه را به جهان معرفی کرد و آن را ناخودآگاه جمعی (collective unconscious) نامید. او محتوای ناخودآگاه جمعی را کهن‌الگوهایی دانست که از پیشینیان به ما به‌ارث رسیده‌اند و در روان ما هم‌چون الگوهایی ثابت و تکرارشونده با ماهیتی غریزی حضور دارند. یونگ می‌گوید: «کهن‌الگوها اصولی متعالی‌اند که حیات اعتقادی و حتی حیات سیاسی را تعیین و تنظیم می‌کنند» (یونگ ۱۴۰۰: ۳۳).

کارول اس. پیرسون، پژوهش‌گر آمریکایی، براساس نظریه یونگ و همین‌طور طرح سفر قهرمان جوزف کمبل، دوازده کهن‌الگو را، که عبارت‌اند از: معصوم، یتیم، جنگ‌جو، حامی، جست‌وجوگر، عاشق، ویران‌گر، آفرینش‌گر، حاکم، جادوگر، فرزانه، و دلقک، در سه بخش خود (ego)، جان (soul)، و خویشتن (self) جای می‌دهد. همه این کهن‌الگوها در روان افراد وجود دارند، اما همیشه یک یا چند کهن‌الگو غالب‌تر است. این کهن‌الگوها در مسیر رشد افراد بر اثر عوامل بیرونی فعال می‌شوند و سرانجام براساس ماهیت خاص خود در افراد یا جوامع تغییر ایجاد می‌کنند. یتیم، دومین کهن‌الگوی معرفی‌شده توسط پیرسون، بر اثر مواجهه فرد با ظلم، بی‌عدالتی، و طردشدن فعال می‌شود.

باتوجه‌به این‌که کهن‌الگوی یتیم با ظلم و تبعیض در ارتباط است و توانایی واقع‌بینی را در روان افراد ایجاد می‌کند، این فرضیه شکل می‌گیرد که این کهن‌الگو با سبک ادبی رئالیسم، که در بستری واقع‌گرایانه به بیان ظلم‌ها و نابرابری‌ها می‌پردازد، می‌تواند شباهت‌هایی داشته باشد. بنابراین، در این پژوهش محتوا و عملکرد شخصیت‌های پنج اثر ادبی رئالیستی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ایران از منظر کهن‌الگوی یتیم مطالعه و بررسی شده است (جدول ۱).

جدول ۱. موارد مطالعاتی

صادق چوبک	غلام حسین ساعدی	احمد محمود	علی اشرف درویشیان	محمود دولت آبادی
سنگ صبور (۱۳۴۵)	عزاداران بیل (۱۳۴۳)	همسایه‌ها (۱۳۵۳)	آبشوران (۱۳۵۴)	جای خالی سلوچ (۱۳۵۸)

منبع: نگارندگان

۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های انجام‌شده در ایران از منظر کهن‌الگوهای پیرسون به‌طور وسیعی به بررسی سفر قهرمان شخصیت‌های اصلی داستان‌ها یا اشعار پرداخته شده است. مثلاً، سولماز مظفری در رساله دکتری خود با نام بررسی و تحلیل روان‌شناسی شخصیت در ده رمان برجسته معاصر فارسی با تأکید بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون (۱۳۹۲)، با استفاده از آزمون PMAI، که برای تعیین کهن‌الگوهای شخصیت افراد توسط پیرسون و هیو کی. مار تهیه شده است، حضور همه کهن‌الگوها را در شخصیت‌های مورد مطالعه بررسی می‌کند. محمدجواد عساریان و دیگران (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با نام «تحلیل کیفیت بیداری قهرمان درون در شخصیت سیاوش و کیخسرو با تکیه بر نظریه پیرسون» به این نتیجه می‌رسند که کهن‌الگوی یتیم در سیاوش شکل می‌گیرد. این کهن‌الگو در کیخسرو نیز بیدار می‌شود و سرانجام به کهن‌الگوی فرزانه می‌رسد. این فرزانه‌گی عامل شفابخشی و نجات ایران و سرنگونی افراسیاب می‌شود.

مهدی محسنی (۱۳۹۴) نیز در پایان‌نامه ارشد خود با نام *بازشناسی عملکرد کهن‌الگوها بر شخصیت‌پردازی در آثار درام* به این نتیجه می‌رسد که درام‌نویسان غربی با بهره‌گیری از این کهن‌الگوها و نفوذ در ناخودآگاه مخاطب مفاهیم را به‌خوبی منتقل می‌کنند. فرحناز سام (۱۳۹۶) نیز در پایان‌نامه ارشد خود با نام *بررسی کهن‌الگوهای دوازده‌گانه در داستان «پیر چنگی» مثنوی براساس نظریه کارول پیرسون* نتیجه می‌گیرد که کهن‌الگوهای غالب در شخصیت پیر چنگی ساحر، یتیم، ویران‌گر، عاشق، فرزانه، و لوده بوده‌اند.

در پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از ایران، علاوه بر تبیین کهن‌الگوها در آثار داستانی، رابطه بین کهن‌الگوهای پیرسون و برندهای مختلف بررسی شده است. مثلاً، دوروتی براسیل و دیگران (2018) در مقاله‌ای با نام «معنای نام تجاری با رویکرد آرکتیپایی» در مجله

امرآلد اینسایت (Emerald Insight) توجه بیشتری به برندهایی که در معرفی خود از مفاهیم آرکیتایپی در قالب واژه و جمله بهره برده‌اند بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که افراد با فرهنگ‌های متفاوت با این‌گونه برندها ارتباط احساسی مشابهی برقرار می‌کنند. بنابراین، بررسی یک سبک هنری به‌طور خاص از دریچه کهن‌الگوی پیرسون تاکنون نه در ایران انجام شده است نه در خارج از ایران.

۳. سبک ادبی رئالیسم

سبک ادبی رئالیسم اوایل قرن نوزدهم به اوج محبوبیت خود رسید. این سبک در عصری به نقطه عطف خود رسید که روح زمانه مشتاق شناخت محیط با دلایل واقعی و علت‌های مادی بود. مذهب، دین، و به‌طور کلی کلیسا در غرب مورد پرسش قرار گرفتند. عصر انقلاب صنعتی و اکتشافات علمی بود و انسان به‌عنوان پدیده‌ای مهم و مرکزی در هستی مورد توجه قرار گرفت. بنابراین، همه متفکران بر اثر روح زمانه خود در پی شناخت جهان و انسان و ایجاد تغییر در آن نه از دریچه خیال و رؤیا، بلکه با کمک آگاهی و روش‌های علمی در چهارچوب قوانین برآمده از واقعیت هم‌چون تحول، تکامل، مبارزه طبقاتی، برابری، و تأثیر متقابل فرد بر جامعه و بالعکس برآمدند (سیدحسینی ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۷۹).

آثار ادبی رئالیستی در انواع مختلف خود انسان‌ها را در محیطی اجتماعی و در بستری بیرونی بدون هیچ قضاوتی نمایش می‌دهند. در رئالیسم انتقادی، نویسنده با کمک قهرمانی معمولی به بیان تضاد میان مردم و جامعه می‌پردازد. او نظام‌های سرمایه‌داری و تبعات آن را نقد می‌کند و از این راه در پی تغییر شرایط است (حسینی ۱۳۹۸: ۸۷). رئالیسم سوسیالیستی از روسیه سر برآورد. این شیوه از بیان واقعیت در جهت خدمت به توده مردم و اهداف حزب کمونیست به دنبال ایجاد جامعه‌ای بی طبقه است. نویسنده رئالیسم جادویی نیز با محتوایی واقع‌گرایانه و با زبانی جادویی به دنبال زنده کردن فرهنگ و عقاید اصیل فراموش شده قوم و ملت خویش است. در رئالیسم روان‌شناختی نیز نویسنده روان انسان‌ها را می‌کاود و به چگونگی عملکرد آن‌ها در ارتباط با جامعه می‌پردازد.

بنابراین، نویسنده سبک رئالیسم، که مسائل را از زاویه تأثیر اجتماع و روابط اجتماعی تحلیل و بررسی می‌کند، باید به این مسائل شناخت کافی داشته باشد تا اثر او فقط ثبت یک مشاهده ساده از روی داده‌ها نباشد، بلکه بتواند آن مسائل را با هنرمندی تفسیر کند (ساجکوف ۱۳۶۲: ۲۰).

در ایران نیز، هم‌سو با تحولات غرب، تغییراتی در بستر هنر شکل گرفت. دوره شکل‌گیری رئالیسم و اوج آن در ۱۸۴۸ میلادی با روی‌کارآمدن ناصرالدین‌شاه، چهارمین پادشاه قاجار، در ۱۲۲۶ شمسی در ایران هم‌زمان است. جامعه ایران در این دوره با پدیده روزنامه، عکاسی، و طبیعت‌گرایی در هنر مواجه شد. سفر دانشجویان به اروپا آغاز شد و در نتیجه آن‌ها با مسائل روز جهان آشنا شدند. به دلیل رشد صنعت ترجمه و در دسترس قرارگرفتن کتاب‌های علمی و فلسفی، زاویه نگاه ایرانیان به دنیای اطراف گسترده‌تر شد. در نهایت، همه این تحولات به انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ شمسی منجر شد.

اندیشه مشروطه با تفکر ایجاد آزادی و برابری گره خورد و تمرکز را بر جامعه و حقوق مردم معطوف کرد. هنرمندان روشن‌فکر مشروطه، هم‌چون رئالیسم غرب، درون‌مایه عاشقانه و عرفانی ادبیات پیشین را کنار گذاشتند و توجه خود را به واقعیت‌های روز جامعه معطوف کردند (مریدی ۱۳۹۷: ۵۱).

این مسیر روبه‌رشد در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی، با وجود سانسورها و موانع بسیار، به نقطه عطف خود رسید. جامعه ایران در زمان پهلوی دوم شاهد رشد اقتصادی و اجتماعی روزافزونی بود. سرمایه‌گذاری‌های دولتی در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ باعث افزایش تولید محصولات داخلی و رشد کارخانه‌ها و تأسیسات نفتی شد (آبراهامیان ۱۴۰۰: ۵۲۸). بودجه‌های دولتی نه تنها در صنعت، بلکه در آموزش نیز رشد فرهنگ و دانش را در پی داشت. افزایش کلاس‌های سوادآموزی، مدارس، دانشگاه‌ها، و همین‌طور خروج جوانان از کشور برای تحصیل، که طبق آمار از کم‌تر از هجده هزار نفر به بیش از هشتاد هزار نفر افزایش یافته بود، باعث رشد سه‌برابری نظام آموزشی در ایران شد (همان: ۵۳۰). بنابراین، تفکر سنتی دیگر در جوامع شهری پذیرفته نمی‌شد و رسیدن به مدرنیته و پیشرفت بیرونی مورد پذیرش اجتماع بود.

اگرچه انقلاب صنعتی با خود رشدی چشم‌گیر برای شهرهای بزرگ ایران به‌ارمغان آورد، در جوامع روستایی جز فقر روزافزون و افزایش میزان مهاجرت ثمره دیگری نداشت. افزایش میزان فقر، تضاد طبقاتی، تغییر نگرش مردم در برابر مسائل مذهبی، و از خودبیگانگی، که ایران دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ یک‌باره با آن روبه‌رو شد، نویسندگانی از وجود خود به‌ظهور رساند که با نگاهی انتقادی و مارکسیستی، قوی‌تر از دوره‌های پیشین، به نقد و تفسیر زمانه خود پرداختند.

محتوای آثار رئالیستی در ایران تحت‌تأثیر آثار نویسندگان در اروپا و روسیه بود. با ورود مجدد حزب توده و تفکر چپ در احزاب سیاسی جامعه، برخی نویسندگان در این گروه سیاسی حضور فعال داشتند. در همین زمینه، نخستین کنگره نویسندگان ایران زیر سایه حزب کمونیسم در تیرماه ۱۳۲۵ شمسی برگزار شد. در قطع‌نامه این کنگره آمده است: «نویسندگان ایران در نظم و نثر سنت دیرین ادبیات فارسی یعنی طرف‌داری از حق و عدالت و مخالفت با ستم‌گری و زشتی را پی‌روی نمایند و در آثار خود از آزادی، عدل، دانش، و رفع خرافات هواخواهی کنند» (مریدی ۱۳۹۷: ۱۲۵، ۱۲۶). جریان روشن‌فکری متعهد فرانسه نیز بر آثار رئالیستی ایران اثر گذاشت؛ جریانی که در آن اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی ژان پل سارتر، برتولت برشت، نمایش‌نامه‌نویس آلمانی، و اشعار سیاسی لویی آراگون، شاعر و نویسنده فرانسوی، جای داشتند (همان: ۱۳۰).

از نویسندگان مطرح این دوره می‌توان از جلال آل‌احمد با خلق نثرین زمین (۱۳۴۶)، غلام‌حسین ساعدی با آثاری هم‌چون *عزاداران بیل* (۱۳۴۳) و *غریبه در شهر* (۱۳۵۵)، و صادق چوبک با آثاری هم‌چون *تنگسیر* (۱۳۴۲) و *سنگ صبور* (۱۳۴۵) نام برد. داستان‌نویسان جوان‌تر، مانند هوشنگ گلشیری، نیز با اثری با عنوان *سازده/احتجاج* (۱۳۴۸)، سیمین دانشور با کتاب *سووشون* (۱۳۴۸)، احمد محمود با آثاری هم‌چون *پسرک بومی* (۱۳۵۰) و *همسایه‌ها* (۱۳۵۳)، علی‌اشرف درویشیان با کتاب‌های *آبشوران* (۱۳۵۴) و *فصل نان* (۱۳۵۷)، و محمود دولت‌آبادی با اثر به‌یادماندنی خود با نام *جای خالی سلوچ* (۱۳۵۸) گنجینه ادبیات رئالیستی ایران را پُر بار کرده‌اند.

پس از سال ۱۳۵۰ سانسور شدیدی بر آثار هنرمندان اعمال شد. بالابودن سطح بی‌سوادی و همین‌طور نبود فرهنگ کتاب‌خوانی همگی باعث کاهش خلق آثار فاخر شد. اگرچه هنوز هم، باوجود همه نقایص، این دو دهه را می‌توان دوران اعتلای ادبیات ایران دانست (میرعابدینی ۱۳۷۷: ۴۱۸).

۴. یونگ و ناخودآگاه جمعی

کارل گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روان‌پزشک اهل سوئیس بود. یونگ بخش ناخودآگاه روان را شامل دو بخش ناخودآگاه شخصی و جمعی می‌داند. او در طی درمان بیماران متوجه شد، باوجود حل‌شدن همه عقده‌های احساسی در ناخودآگاه شخصی، هم‌چنان نیروی عاطفی در روان بیمار باقی می‌ماند که به‌جای تخلیه‌شدن هربار افزایش می‌یابد.

یونگ به این نتیجه رسید که درون عقده یک هسته غیرشخصی وجود دارد و آن را ناخودآگاه جمعی نامید (رابرتسون ۱۳۸۹: ۳۸).

یونگ درباره این موضوع می‌گوید:

من کلمه «جمعی» را انتخاب کردم، چون این بخش از ناخودآگاه فردی نیست، بلکه عمومی است؛ برخلاف بخش شخصی روان، این بخش محتویات و رفتارهایی را در بر می‌گیرد که کم‌وبیش در همه‌جا و در بین همه انسان‌ها مثل هم هستند و بنابراین ساخت روانی مشترکی را می‌سازد که ماهیتی فوق‌انسانی است و در همه ما نیز وجود دارد (یونگ ۱۳۹۹: ۱۰).

یونگ محتویات ناخودآگاه جمعی را «کهن‌الگو» می‌نامد. کهن‌الگوها قالب‌های ثابت و تکرارشونده‌ای هستند که در گذر زمان در روان بشر فعال شده‌اند. پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان بسیاری پس از یونگ به بررسی این کهن‌الگوها در روان انسان‌ها پرداخته‌اند. کارول اس. پیرسون، پژوهش‌گر و نویسنده آمریکایی، یکی از این افراد است.

۵. کارول اس. پیرسون

کارول اس. پیرسون پژوهش‌گر و یونگ‌شناس معاصر آمریکایی است. او در ۱۹۸۶ میلادی کتابی با نام *شش کهن‌الگو که با آن‌ها زندگی می‌کنیم* به چاپ رساند. این کتاب یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های مردمی هارپرکالینز شد. پس‌از آن کار در زمینه کهن‌الگوها برای او به شغلی تمام‌وقت تبدیل شد. در ۱۹۹۱، کتاب *بیداری قهرمان درون* را به چاپ رساند و در آن به معرفی دوازده کهن‌الگوی سفر قهرمانی پرداخت. در ۲۰۰۷، کتاب *تودر حال زندگی چه داستانی هستی* را به مخاطبانش عرضه کرد. این کتاب در ایران با نام *زندگی برانزنده من* به چاپ رسیده است. او در این کتاب به این موضوع می‌پردازد که هرکدام از کهن‌الگوها چه روایت داستانی را با خود حمل می‌کنند. پیرسون نقش کهن‌الگوها را در زمینه برندسازی نیز بررسی کرد و آن را در قالب کتابی با نام *قهرمان و یاغی* در ۲۰۰۱ منتشر کرد (see Pearson 2022).

کهن‌الگوهای پیرسون عبارت‌اند از: معصوم، یتیم، جنگ‌جو، حامی، جوینده، عاشق، ویران‌گر، آفریننده، حکم‌ران، ساحر، فرزانه، و لوده (جدول ۲). پیرسون، همانند جوزف کمبل، اسطوره‌شناس آمریکایی، کهن‌الگوها را در سه مرحله جای می‌دهد. او این سه مرحله

صورت‌بندی کهن‌الگوی یتیم ... (ابراهیم خدایار و سعیده مزدارانی) ۳۱

راه، به ترتیب، خود، جان، و خویشتن می‌نامد. کهن‌الگوی یتیم در مرحله خود قرار دارد. این کهن‌الگو در ابتدای سفر با تجربه تلخ طردشدن از سوی خانواده و جامعه فعال می‌شود و به افراد کمک می‌کند تا در مسیر تکامل خود به واقع‌گرایی برسند.

جدول ۲. دوازده کهن‌الگوی کارول اس. پیرسون (پیرسون ۱۳۹۶: ۳۴)

کهن‌الگو	هدف	ترس	هدیه یا فضیلت
معصوم / innocent	ماندن در فضای امن	طردشدن	اعتماد، خوش‌بینی
یتیم / orphan, realist	باز یافتن امنیت	سوءاستفاده	هم‌بستگی، واقع‌گرایی
جنگ‌جو / warrior	پیروزی	ناتوانی	شجاعت، انضباط
حامی / caregiver	کمک به دیگران	خودخواهی	هم‌دلی، بخشندگی
جوینده / seeker	یافتن زندگی بهتر	هم‌رنگ‌شدن با جماعت	استقلال، بلندپروازی
عاشق / lover	حال خوش	از دست دادن عشق	شور و شوق، تعهد
ویران‌گر / destroyer	دگرذیسی	نابودی	فروتنی
آفریننده / creator	هویت	ساختگی و غیراصیل بودن	فردیت، حرفه
حکمران / ruler	نظم	هرج و مرج	مسئولیت، اختیار
ساحر / magician	دگرگونی	جادوی سیاه	قدرت شخصی
فرزانه / sage	حقیقت	فریب	خرد، وارستگی
لوده / fool	تفریح	سرزننده‌نبودن	نشاط، رهایی

۱.۵ کهن‌الگوی یتیم

کهن‌الگوی «یتیم» در نظریه پیرسون از ابتدا تا امروز با سه نام یتیم، انسان معمولی (every man)، و رئالیست معرفی شده است.^۱ یتیم در مرحله ابتدایی سفر یعنی «خود» جای دارد؛ مرحله‌ای که در آن فرد با دنیای بیرون مواجه می‌شود و در تقابل با چالش‌های جهان بیرون روان خود را رشد می‌دهد. او ممکن است یکی از والدین خود را از دست بدهد یا شاید والدین باشند، اما شیوه رفتار آن‌ها نادرست باشد. ممکن است فرد در جامعه دچار آسیب روانی شود، در محیط مدرسه تمسخر شود، یا در محیط کار با او و توانایی‌هایش منصفانه برخورد نشود. او کم‌کم به این شناخت می‌رسد که بعضی افراد، مانند پلیس‌ها، پزشکان، قضات، یا حتی جوامع دموکرات نیز ممکن است به انسان‌ها خیانت کنند و مسئولیت خود را در چهارچوب اخلاق به‌انجام نرسانند. هرچه میزان این تجارب بیش‌تر باشد کهن‌الگوی یتیم در افراد یا جامعه به‌شکل بارزتری نمایان می‌شود (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۵۶).

کهن‌الگوها پس از فعال‌شدن تمایل دارند به سطح آگاهی برسند و این‌گونه روان را به تعادل برسانند (لوییز فون فرانتس ۱۴۰۰: ۷۷). افراد ممکن است به دلایل مختلف این اجازه را به کهن‌الگو ندهند. پیرسون افرادی که کهن‌الگوی یتیم را در خود سرکوب می‌کنند «یتیم افراطی» می‌نامد. آن‌ها به شکل افراطی باور دارند که جهان جای ناامنی است. در مقابل، افرادی که زخم‌های خود را می‌پذیرند به یتیم‌های تکامل‌یافته تبدیل می‌شوند. آن‌ها می‌توانند واقعیت را به خوبی ببینند و در جهت تغییر حرکت کنند.

۱.۱.۵ یتیم افراطی

رشد در بستری پُرخطر به ریشه‌گرفتن حس ناامنی و بی‌اعتمادی در فرد منجر می‌شود. حس بدبینی در او ریشه می‌دواند و او را به همه انسان‌ها مشکوک می‌کند. همین امر باعث می‌شود تا این افراد مطلق‌گرا شوند. در نگاه آن‌ها، انسان‌ها یا قربانی‌اند و به دست ظالمان آزار می‌بینند یا ظالم‌اند. یتیم افراطی نیز خود را در یکی از این دو گروه جای می‌دهد. او یا ظالم می‌شود تا بقایش را حفظ کند یا مظلوم و قربانی می‌شود و امیدها و آرزوهای خود را رها می‌کند. آن‌ها شغل‌ها و رابطه‌هایی دارند که از آن راضی نیستند. آن‌ها برای تغییر شرایط یا تلاشی نمی‌کنند یا اگر هم اقدامی کنند، به نتیجه مطلوب نمی‌رسند و ناکام می‌مانند (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۶۳).

یتیم‌های افراطی هنگام بروز مشکل خودشان یا دیگران را سرزنش می‌کنند. حتی می‌توان افرادی که نقش ناجی را برای دیگران بازی می‌کنند یتیم دانست، زیرا آن‌ها از این طریق می‌توانند تقصیرها را به گردن دیگران بیندازند و بار خودشان را سبک کنند. این افراد عزت‌نفس دیگران را تضعیف می‌کنند تا دیگران به آنان وابسته شوند. آن‌ها معمولاً از ترس‌های دیگران سوءاستفاده می‌کنند؛ به دیگران می‌گویند بدون این مذهب، بدون این مدل از درمان، یا بدون این جنبش سیاسی شما در گناه غرق می‌شوید، بیمار می‌شوید، یا کمونیست و فاشیست بر شما حکومت خواهند کرد (Pearson 1998: 35).

یتیم افراطی، با وجود این‌که نیاز به پشتیبانی دارد، از کسی کمک نمی‌گیرد، زیرا فرار یکی از مکانیزم‌های روانی او برای گریز از مسائل است. یکی از این راه‌ها مهاجرت است (پیرسون و مار ۱۳۸۸: ۱۱۲). در واقع، مهاجرت اگر در جهت فرار از شرایطی باشد که می‌توان آن را تغییر داد، به حرکتی منفی تبدیل می‌شود. رو آوردن به خرافات، اعتیاد به انواع مواد مخدر، و همین‌طور صرف زمان بسیار برای شغل و ارتباط‌های آسیب‌زا، همگی می‌توانند واکنشی برای فرار از واقعیت سخت زندگی باشند.

۲.۱.۵ یتیم تکامل یافته

فردی که تحت تأثیر کهن‌الگوی یتیم است باید خود را از موضع مظلوم‌نمایی و انکار خارج کند. او باید درک کند که زندگی، به دلیل ماهیت دوگانه‌اش، رنج، سختی، و مرگ را در کنار زیبایی‌ها و آرامش به همراه دارد. پس باید در برابر زندگی، اتفاقات، و انسان‌ها انتظارات واقع‌بینانه داشته باشد. او نباید توقع داشته باشد تا دیگران همه نیازهایش را رفع کنند. او باید حقوق خود را به‌عنوان یک فرد در جامعه بشناسد و آن‌ها را مطالبه کند (Pearson 1998: 29).

یتیم تکامل‌یافته عدالت را مسئله‌ای نسبی می‌داند. او باور دارد آدم‌های نادرست گاهی موفق‌تر به نظر می‌رسند و همیشه این‌گونه نیست که اگر انسانی با اخلاق و شجاعت زندگی کند، نتیجه بهتری می‌گیرد. او می‌داند که اولیای امور همیشه درست نمی‌گویند و هر انسانی ممکن است اشتباه کند (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۵۸). با این نگرش، یتیم نه خود را در دسته مظلومان و نه ظالمان قرار می‌دهد، بلکه برای عدالت تلاش می‌کند. او منزوی نمی‌شود؛ گروه تشکیل می‌دهد و از دیگران درخواست کمک می‌کند. او با ایجاد هم‌بستگی برای این حقیقت تلاش می‌کند که باید از ستم‌دیدگان حمایت کرد.

هنگامی که یتیم مسئولیت زندگی خود را می‌پذیرد، برای حل مسائل خود گام برمی‌دارد. او به این نتیجه می‌رسد که اتفاق‌ها و امکانات خوب زندگی به همه انسان‌ها تعلق دارند. البته، اگر یتیم برای رسیدن به خواسته‌هایش تلاش نکند و فقط با شعارهای تضاد طبقاتی به نوعی احساس بی‌ارزشی خود را سرکوب کند، باعث به‌وجود آمدن شورش می‌شود که نتیجه‌اش دموکراسی نخواهد بود، زیرا یتیم شورش افراطی هنوز هم معتقد خواهد بود که دیگران مقصر ناکامی‌های او هستند و باز هم چرخه ظالم و مظلوم تکرار خواهد شد. پیرسون می‌گوید: «برای یتیم جنبش‌هایی هم‌چون حقوق مدنی، زنان، کارگری، و هر جنبشی که برای گسترش منافع همه اقشار و مشارکت اجتماعی و اقتصادی گروه‌های مختلف است بسیار مهم است» (Pearson 2001: 166).

۶. کهن‌الگوی یتیم در موارد مطالعاتی

کسانی که به دنبال دریافت دانش و آگاهی‌اند، مانند افراد تحصیل‌کرده، هنگام بروز ویژگی‌های کهن‌الگویی در جامعه درباره چرایی ماجرا با هم گفت‌وگو می‌کنند؛ درحالی‌که

مردمان عادی فقط متوجه تضاد بین روی داده‌های جدید و باورهای خودشان‌اند. این امر رنج آن‌ها را افزایش می‌دهد. مثلاً، تحصیل کرده‌ها زمانی که با پدیده صنعتی شدن روبه‌رو می‌شوند در این رابطه با هم بحث و گفت‌وگو می‌کنند و از مشکلات آن به کلی باخبرند، اما یک کشاورز ساده چیزی در این مورد نمی‌داند. او برای حل مسئله به شهر مهاجرت می‌کند؛ جایی که چگونه زیستن در آن را به‌خوبی نمی‌داند. گاهی نیز برای ابراز این رنج از راه‌کارهای نمادین، مانند انقلاب، استفاده می‌کند. بنابراین، نیازهای افراد معمولی و ساده جامعه بیش‌تر می‌تواند بیان‌گر مسائل و نیازهای زمانه باشد (لوییز فون فرانکس ۱۴۰۰: ۶۸).

به اعتقاد پیرسون، یکی از مضامین داستانی مربوط به کهن‌الگوی یتیم «حکایت‌های غمگین و تیره‌ای است که وابستگی‌ها و ضعف‌های شخصیت اصلی یا بی‌عدالتی‌های اطرافیان سرانجام او را قربانی می‌کنند. همین‌طور داستان‌هایی که در آن‌ها افراد ستم‌دیده نسبت به دیگران ستم روا می‌دارند» (پیرسون و مار ۱۳۸۸: ۱۱۱). این داستان‌ها می‌توانند در قالب سبک رئالیسم، که در پی بیان بی‌عدالتی، ظلم، و نابرابری در سطح جامعه است، به مخاطب ارائه شوند. بنابراین، در این بخش از پژوهش پنج اثر رئالیستی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ایران به نام‌های سنگ صبور، عزاداران بیل، همسایه‌ها، آبشوران، و جای خالی سلوچ از منظر کهن‌الگوی یتیم بررسی می‌شود و در ادامه دو گروه یتیم افراطی و یتیم تکامل‌یافته در این پنج اثر مشخص خواهد شد.

داستان سنگ صبور، اثر صادق چوبک (۱۲۹۵-۱۳۷۷)، زندگی معلمی به نام احمدآقا را روایت می‌کند. در کودکی، پدر احمد خانه را برای همیشه ترک می‌کند. احمدآقا در بزرگسالی نیز نویسنده روشن‌فکر جامعه‌ای می‌شود که تفکرات او را نمی‌پذیرد. شخصیت دیگر داستان گوهر نام دارد. او نیز، به سبب تهمت‌های دیگران، توسط همسرش با فرزندش از خانه بیرون انداخته می‌شود. او خدمت‌کار گوهر را نیز از طبقه دوم خانه به پایین پرت می‌کند. خدمت‌کار فلج می‌شود و گوهر با صیغه‌شدن توسط مردان غریبه مخارج زندگی خود، فرزند، و خدمت‌کار افلیجش را فراهم می‌کند. دیگر شخصیت‌های داستان نیز همگی حس تنهایی، طردشدگی، و تبعیض را تجربه می‌کنند.

در عزاداران بیل، نوشته غلام‌حسین ساعدی (۱۳۱۴-۱۳۶۴)، مردمان روستای بیل هم از جانب حکومت هم از سوی طبیعتی که در آن زیست می‌کنند آزار می‌بینند. مردمان روستا نیز، به سبب تلخ‌کامی‌هایشان، به یک‌دیگر زخم می‌زنند. آن‌ها با طوفان، طاعون، و با

قحطی مواجه می‌شوند، با گرسنگی و مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کنند، و گویا بقا تنها دغدغه آن‌هاست.

در داستان همسایه‌ها، اثر احمد محمود (۱۳۱۰-۱۳۸۰)، نیز مردم در فقر زیست می‌کنند. خالد، شخصیت اصلی داستان، هنگامی که پدرش خانه را برای یافتن کار ترک می‌کند، به‌نوعی یتیم می‌شود. او در سن بسیار پایین مسئول فراهم‌آوردن مخارج زندگی خانواده‌اش می‌شود. در *آبشوران*، اثر علی‌اشرف درویشیان (۱۳۲۰-۱۳۹۶)، نیز داستان دربارهٔ کودکان و نوجوانانی است که در شرایط سخت رشد می‌کنند، تنبیه می‌شوند، و در حسرت یک تکه‌نان‌اند. راوی داستان *آبشوران* می‌گوید: «پدرم همیشه می‌گفت: ”پول ندارم و خرجی را ناتمام می‌داد یا اصلاً نمی‌داد ... بعضی روزها هم کار به کتک‌کاری می‌کشید. گیس ننه را می‌گرفت و دور کرسی می‌گرداند. ما جیغ می‌کشیدیم. فریاد می‌زدیم.“» (درویشیان ۱۳۵۸: ۵۴). در داستان *جای خالی سلوچ*، نوشتهٔ محمود دولت‌آبادی (۱۳۱۹)، نیز سلوچ، پدر داستان، به‌خاطر ناتوانی در فراهم‌آوردن مخارج خانواده، روستا را ترک می‌کند. خانوادهٔ سلوچ از سوی جامعه طرد می‌شوند و آزار می‌بینند.

بنابراین، همهٔ داستان‌های مورد‌مطالعه به بیان طردشدن و آزاردیدن شخصیت‌ها می‌پردازند (جدول ۳). فقر و نداری، طاعون و بیماری، صنعتی‌شدن و ترک دیار، ظلم ثروت‌مندان و بالادستان جامعه، و تبعیض اجتماعی همگی عواملی‌اند که شخصیت‌های داستان را یتیم و سرخورده می‌کنند. پیرسون در این زمینه می‌گوید: «کهن‌الگوی یتیم در هر کدام ما توسط همهٔ تجربه‌هایی که کودک درونمان احساس می‌کند طرد شده، به او خیانت شده، آزار دیده، مورد بی‌توجهی قرار گرفته، یا سرخورده شده است فعال می‌گردد» (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۵۶).

جدول ۳. بیداری کهن‌الگوی یتیم در موارد مطالعاتی

کهن‌الگوی یتیم	طردشدن	آزاردیدن	خیانت	تبعیض	سرخوردگی
سنگ صبور	✓	✓	✓		✓
عزاداران بیل	✓	✓	✓		✓
همسایه‌ها	✓	✓			
آبشوران		✓		✓	✓
جای خالی سلوچ	✓	✓	✓	✓	✓

منبع: نگارندگان

۱.۶ یتیم افراطی در موارد مطالعاتی

انسان‌ها در نگاه یتیم‌های افراطی به دو دسته ظالم و مظلوم تقسیم می‌شوند؛ آن‌ها نگاهی مطلق‌گرا دارند. آن‌ها یا منزوی می‌شوند یا تصمیم می‌گیرند ظالم باشند تا به آن‌ها ظلم نشود. در همه داستان‌های مورد مطالعه ویژگی‌های یتیم افراطی مشاهده‌شدنی است. نقش ظالم بیش‌ترین تکرار را دارد و افراد با این نقاب در همه داستان‌ها حضور دارند. در مقابل آن نقاب مظلوم‌نمایی نیز به‌خصوص در *سنگ صبور*، *عزاداران بیل*، *آبشوران*، و *جای خالی سلوچ* بر چهره شخصیت‌ها دیده می‌شود.

احمدآقا، شخصیت اصلی داستان *سنگ صبور*، منفعلانه زیست می‌کند. او برای فرار از مشکلاتش انزوای را انتخاب می‌کند. احمدآقا روشن‌فکری است که مسائل بحرانی و بی‌اخلاقی‌های موجود در جامعه را می‌بیند، اما در نقش یتیم منفعل فرومی‌رود. با وجود این که کار گوهر را برای تأمین معاش نادرست می‌داند، از او حمایت نمی‌کند و مانند دیگر مردان با او برخورد می‌کند. احمدآقا در این حالت انفعال به جایی می‌رسد که در اندیشه‌هایش غرق می‌شود و برای فرار از آنچه هست به تار عنکبوت پناه می‌برد و می‌گوید: «منم آسید ملوچ شدم».^۲ نویسنده در این داستان به ظلم‌هایی می‌پردازد که زنان در جامعه تجربه می‌کنند. مثلاً، گوهر، که توانایی برای حل مسئله‌اش ندارد، با صیغه‌شدن امرار معاش می‌کند، در حالی که نویسنده اشاره می‌کند که او الگو و گردن‌بند طلا دارد. در این زمینه پیرسون می‌گوید:

برخی از آدم‌های یتیم مهارت‌های بسیار پیشرفته‌ای دارند، اما احساس بی‌ارزشی درونی و یا احساس ناامیدی درباره امکانات زندگی آن‌ها را در شرایط محدودی زندانی می‌کند. هرچه شرایط بدتر شود آن‌ها احساس ناتوانی بیش‌تری می‌کنند و فلج‌تر می‌شوند (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۶۸).

در داستان *آبشوران* نیز شخصیت‌ها نقاب مظلوم‌نمایی دارند. آن‌ها نمی‌توانند با قدرت‌مندان مقابله کنند. بنابراین، بین ظالم و مظلوم بودن مظلومیت را انتخاب می‌کنند. راوی داستان می‌گوید:

ساعت به ساعت صاحب‌خانه پیر می‌آمد و به اتاق ما سر می‌کشید. اصلاً به همه اتاق‌ها سر می‌کشید. وقتی او می‌آمد، همه ما خوب گریه می‌کردیم؛ بابام گفته بود؛ تا صاحب‌خانه خوشش بیاید و برای کرایه‌خانه‌های عقب‌مانده فشار نیارد (درویشیان ۱۳۵۸: ۱۸).

تقابل ظالم و مظلوم بیش‌تر از هر کهن‌الگویی در یتیم‌پررنگ می‌شود. یتیم برخاسته از زخم‌های ماست. این زخم‌ها می‌توانند به عزت انسانی ما آسیب برسانند. هرچه این عزت نفس آسیب‌دیده‌تر باشد فرد درمقابل ستم‌ها و ظلم‌هایی که بر او روا می‌دارند آسیب‌پذیرتر می‌شود. او احساس ناتوانی می‌کند، منزوی می‌شود، و دست از تلاش برای تغییر شرایط برمی‌دارد. یتیم بین ظالم یا مظلوم‌بودن گاهی نقاب ظالم‌بودن را انتخاب می‌کند. او حس می‌کند این‌گونه می‌تواند بقای بیش‌تری داشته باشد. بنابراین، به‌جای درک یتیمی به دیگران زخم می‌زند و کارهای خلاف قانون، غیرانسانی، و غیراخلاقی انجام می‌دهد (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۶۹، ۱۷۰).

کسی که برای حفظ بقای خود در شرایط سخت نقش ظالم را بازی می‌کند باید حس مقابل آن، یعنی هم‌دلی و محبت به دیگران، را در خود سرکوب کند و یتیم درون این کار را برعهده می‌گیرد (همان: ۶۸). اهالی روستای بیل در شرایطی زیست می‌کنند که همه‌چیز علیه آن‌هاست. آن‌ها، برای حفظ بقای خود، هم‌دلی و محبت را سرکوب کرده‌اند. زمانی که با قحطی روبه‌رو می‌شوند تصمیم به دزدی می‌گیرند و برای توجیه عمل خود می‌گویند: «همه همین کار را می‌کنند». اهالی روستا باین‌که خود رنج کشیده‌اند، به یک‌دیگر ستم می‌کنند؛ شدی‌ریحان به همسرش خیانت می‌کند؛ سگ موردعلاقهٔ عباس را، به این دلیل که از روستای دیگری آمده و نجس است، می‌کشند؛ پسر آقا هیچ اهمیتی به مرگ پدرش نمی‌دهد؛ درنهایت، به اسلام، که در همهٔ لحظه‌های سخت هم‌راهشان بود و به آن‌ها راه‌کارهای درست می‌داد، تهمت می‌زنند.

نویسندهٔ داستان *آبشوران* نیز، علاوه‌بر توصیف ظلم محیط و خانواده به کودکان، به ظالم‌بودن کودکان هم اشاره می‌کند. اکبر مورچه‌زرها را با هم جنگ می‌داد، چون این باور را به او آموخته بودند که مورچه‌زرها کافر و سیاه‌ها مسلمان‌اند. آن‌ها هیچ‌وقت مورچه‌سیاه‌ها را اذیت نمی‌کردند.

در داستان *جای خالی سلوچ* نیز طرح اصلاحات ارضی و همین‌طور صنعتی‌شدن امر کشاورزی بر زندگی مرگان و خانواده‌اش تأثیر می‌گذارد. افراد بزرگ روستا، که دستشان به دهنشان می‌رسد، وقتی کهن‌الگوی یتیم در روانشان به‌شکلی افراطی بروز می‌یابد، نقش ظالم را برعهده می‌گیرند. آن‌ها با بی‌تفاوتی دربرابر اوضاع مرگان و خانواده‌اش زمین‌خانوادهٔ سلوچ را تصاحب می‌کنند. همهٔ اعضای خانوادهٔ سلوچ در حد توان خود برای حل مسائل می‌جنگند.

یتیم‌های افراطی دیگران را مقصر ناکامی‌های خود می‌دانند. این واکنش که فقط دیگران، خدا، یا فرهنگ را سرزنش کنیم و کاری در جهت تغییر انجام ندهیم، نشانه‌ی این است که در تسخیر کهن‌الگوی یتیم هستیم (Pearson 1986: 38). مثلاً، شخصیت اصلی داستان *آبشوران*، به سبب درد و رنجی که تحمل می‌کند، طبقات بالای جامعه را مسبب ناکامی‌هایش می‌داند و البته در نهایت شورشی می‌شود و برای ایجاد برابری گروه تشکیل می‌دهد. او می‌گوید:

این جیغ‌ها تا ابد مرا بیدار نگه خواهد داشت و مرا بر ضد آن‌که همیشه خرجش آماده است، آن‌که شکمش مثل زالو پُر است و کاری نمی‌کند که همه خرجی داشته باشند، خواهند شوراند ... بر ضد آن‌که نخواست بداند که چرا زیر چشم ننه‌ام از درد کیود بود، همیشه گیسویش شانه نرده و آشفته و پُر از درد و همیشه گرسنه بود تا ما نیم‌سیر باشیم (درویشیان ۱۳۵۸: ۵۴).

یتیم افراطی گاهی برای فرار از مشکلات مهاجرت می‌کند. این امر در سه داستان *عزاداران بیل*، *همسایه‌ها*، و *جای خالی سلوچ* ذکر شده است. فقر و ستم‌دیدگی اغلب از دلایل اصلی مهاجرت‌اند. یتیم مهاجرت را یکی از راه‌کارهای حل مسئله خود می‌داند (پیرسون و مار ۱۳۸۸: ۱۱۲).

واکنش دیگر یتیم افراطی برای فرار از مشکلات اعتیاد است. مثلاً، پدر خالد، که در کودکی یتیم شده است، برای فرار از واقعیت تلخ صنعتی شدن جامعه، به تریاک و همین‌طور ماورا رو آورده است تا معضل بی‌کاری خود را حل کند. در این زمینه پیرسون معتقد است حس ناامنی باعث ایجاد فشار روانی بالایی در افراد می‌شود. از این رو، آن‌ها به سمت اعتیاد به انواع مواد مخدر و لذت‌های زودگذر و همین‌طور نمایش بیرونی از دارایی‌های خود کشیده می‌شوند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا با کار بسیار، روابط، یا مذهب برای خود احساس جعلی امنیت بسازند؛ درحالی‌که همه این سرکوب‌ها احساس ناتوانی، ناامنی، و بی‌اعتمادی را در آن‌ها بیش‌تر می‌کند (Pearson 1998: 28).

حس ناامنی و درپی آن بدبینی در همه داستان‌ها بیش‌تر از هر حس دیگری بیان می‌شود. نویسنده داستان *سنگ صبور* این احساس را در مواجهه شخصیت‌ها با زلزله‌های مدام و همین‌طور آینده نامعلومی که پیش رو دارند به‌خوبی بیان می‌کند. در داستان *عزاداران بیل* مرگ سایه بزرگ روستاست و هر لحظه با چهره‌ای جدید به سراغشان می‌آید؛ گاهی در نقاب طاعون و گاهی با قحطی و خشک‌سالی. در *همسایه‌ها*، ایجاد این احساس در شخصیت‌ها را با انجام‌دادن کارهای سیاسی و دست‌گیرشدن‌های مدام یا با بی‌کاری پدر

شاهدیم. در *آبشوران* افراد با سیلی که هر بهار و پاییز می‌آید و خانه‌های گلی را از بین می‌برد یا با کتک‌ها و تنبیه‌های بی‌دلیل این احساس را در خود تجربه می‌کنند. در *جای خالی سلوچ* نیز این احساس ناامنی و بدبینی در مردمان روستا با صنعتی‌شدن کشاورزی و سرانجام بی‌کاری و فقر ایجاد می‌شود (جدول ۴). احساس ناامنی و بی‌اعتمادی حاصل از طردشدن باعث می‌شود افراد به آن‌هایی که در مقام قدرت قرار دارند مشکوک شوند. آن‌ها ممکن است با کسانی که هم‌چون خودشان زخمی‌اند گروه تشکیل دهند و از طریق احزاب و باندهای سیاسی مختلف به شورش از روی خشم دست بزنند (پیرسون ۱۳۹۶: ۱۶۴).

جدول ۴. تکرار ویژگی‌های یتیم افراطی

یتیم افراطی	نامنی / بدبینی	مظلوم	ظالم	انزواطلب	مهاجرت
سنگ صبور	✓	✓	✓	✓	
عزاداران بیل	✓	✓	✓		✓
همسایه‌ها	✓		✓		✓
آبشوران	✓	✓	✓		
جای خالی سلوچ	✓	✓	✓		✓

منبع: نگارندگان

۲.۶ یتیم تکامل یافته در موارد مطالعاتی

اگر کهن‌الگوی یتیم در افراد به‌درستی زیست شود، آن‌ها در برابر دیدن واقعیت‌ها، هرچند تلخ، مقاومت نمی‌کنند. کسانی که تصمیم به بیداری و دیدن دارند گاهی ممکن است احساس ناتوانی کنند، اما سرانجام برای تغییر شرایط اقدام می‌کنند. در داستان‌های *همسایه‌ها*، *آبشوران*، و *جای خالی سلوچ* بیش از دیگر داستان‌ها به یتیم تکامل یافته برمی‌خوریم.

خالد در *رمان همسایه‌ها*، با وجود فقر و تنگ‌دستی، به سمت آگاهی حرکت می‌کند و با دیگران برای تغییر شرایط همراه می‌شود. محمدمکانیک نیز در این داستان شخصیتی واقع‌گرا دارد. او در بخشی از داستان می‌گوید: «تو این دنیا هیچی نیست جز همین چیزهایی که می‌بینیم. اسیر همین خرافاتیم که همیشه بدبختیم، باید مثل خر کار کنیم و کیفش رو دیگرون ببرند، که همیشه توسری‌خور و گشنه هستیم» (محمود ۱۳۵۷: ۲۷). در مقابل این‌ها، پدر خالد شخصیتی خرافاتی دارد. او از طریق جادو در پی حل مشکلات خود است. خالد درباره پدر خود می‌گوید: «همان‌طور که قرض بالا می‌آید، وردخوانی پدر

بیش تر می شود» (همان: ۳۲). در این بخش از داستان تضاد میان واقع گرایی و خرافات مطرح شده است و این مضمون در بیش تر آثار این دوره دیده می شود. افراد، به جای کارکردن یا هم بستگی برای حل مشکل، با چله نشینی به دنبال حل مسائل زمینی خودند. از نظر پیروان، یتیم واقع بین باور ندارد که خدا، کلیسا، یا حکومت باید او را نجات دهند، بلکه او معتقد است که خداوند در همه انسان ها توانایی حل مسئله را قرار داده است (پیروان و مار ۱۳۸۸: ۱۱۳).

داستان هایی که در آن سختی ها افراد را به انسان هایی رثوف و دردشناس تبدیل می کند به یتیم مرتبط است (همان: ۱۱۱). شخصیت های نوجوان در داستان *آبشوران* سرانجام باز هم از یک دیگر حمایت و برای ایجاد صلح و برابری تلاش می کنند. مرگان نیز در جای خالی سلوچ، با وجود همه سختی ها، آن چه در توان دارد برای بهبود شرایط انجام می دهد. شخصیت اسلام در *عزاداران بیل* نیز، با وجود هم محلی های ظالم و ناآگاهش، به خوبی یتیم تکامل یافته را به نمایش گذاشته است. او در همه سختی ها واقع بینانه تصمیم می گیرد. داستان سنگ صبور، به جز هم دلی اندکی از جانب گوهر در حق جهان سلطان، کلفت افلیجش، هیچ مشخصه ای از یتیم تکامل یافته را در عملکرد شخصیت ها نشان نمی دهد. زخم های روحی شخصیت ها در این داستان به طور صحیح التیام نیافته اند و آن ها تسلیم کهن الگو یا همان غریزه خود شده اند^۳ (جدول ۵).

جدول ۵. تکرار ویژگی های یتیم تکامل یافته

یتیم تکامل یافته	واقع گرا	مسئولیت پذیر	هم بستگی	مبارز	تشکیل گروه
سنگ صبور					
عزاداران بیل	✓	✓	✓		✓
همسایه ها	✓	✓	✓	✓	✓
آبشوران		✓	✓	✓	✓
جای خالی سلوچ	✓	✓			

منبع: نگارندگان

۷. نتیجه گیری

سبک رئالیسم در جهت پُررنگ تر کردن نقش فرد برای ایجاد تغییر در جهان بیرون به مخاطبان هنر معرفی شد. این سبک، با نگرستن به انسان در بستر جامعه ای که در آن

زیست می‌کند، او را به‌سوی مسئولیت‌پذیری و جست‌وجوگری سوق می‌دهد. نویسنده داستان‌های رئالیستی جزئیات را به‌خوبی می‌بیند و با مردم به زبان ساده خودشان سخن می‌گوید. از طرفی، این آثار، با بیان کنش‌ها و واکنش‌های موجود در سطح جامعه و همین‌طور زندگی شخصی افراد، اطلاعات روان‌کاوانه کاربردی را در اختیار پژوهش‌گر قرار می‌دهند.

نظریه ناخودآگاه در روان‌شناسی، که نخست فروید و پس از او یونگ به جهان معرفی کرد، می‌تواند دریچه خوبی برای پژوهش در آثار ادبی رئالیستی باشد. در این نظریه، یونگ ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها را به‌عنوان محتویات غریزی و همین‌طور تکرارشونده روان به جامعه علمی معرفی کرد. از نظر او، این عناصر تکرارشونده در آثار هنری، که برآمده از ناخودآگاه هنرمند است، به‌خوبی ظاهر می‌شوند. در همین زمینه، کارول پیرسون، با بررسی آثار ادبی و با استفاده از نظریه یونگ و همین‌طور نظریه سفر قهرمان جوزف کمبل، دوازده کهن‌الگو را معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: معصوم، یتیم، جنگ‌جو، حامی، جوینده، عاشق، ویران‌گر، آفریننده، حکمران، ساحر، فرزانه، و لوده.

پیرسون معتقد است این دوازده کهن‌الگو در حرکتی پیچشی در روان افراد بروز می‌یابند. این کهن‌الگوها ممکن است هم‌زمان در روان افراد فعال شوند، اما یک کهن‌الگو همیشه غالب است. در آثار ادبی نیز گاهی وجود همه این کهن‌الگوها را می‌توان در شخصیت‌های مختلف داستان یافت. یکی از این کهن‌الگوها «یتیم» نام دارد. این کهن‌الگو در مواجهه افراد با ظلم و بی‌عدالتی فعال می‌شود و سرانجام درک و پذیرش واقعیت را در آن‌ها ایجاد می‌کند.

هنگامی که کهن‌الگوی یتیم در روان افراد فعال می‌شود، آن‌ها یا این کهن‌الگو را سرکوب می‌کنند یا می‌پذیرند. سرکوب این کهن‌الگو باعث می‌شود تا افراد نتوانند واقعیت‌ها را به‌خوبی ببینند و بپذیرند. آن‌ها در شرایط سختی که درمقابل خود دارند برای حفظ بقا منزوی‌شدن یا ظالم‌بودن را انتخاب می‌کنند. پیرسون این افراد را یتیم‌های افراطی می‌نامد. درحالی‌که یتیم‌های تکامل‌یافته واقعیت‌های تلخ را می‌پذیرند و در جهت تغییر شرایط حرکت می‌کنند.

در این پژوهش، کهن‌الگوی یتیم در پنج اثر رئالیستی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ایران صورت‌بندی شد. مضمون کلی این آثار بیان ظلم و تبعیض در زندگی اشخاص و همین‌طور جامعه است. همه شخصیت‌های محوری، با هر کهن‌الگوی ذاتی، هنگامی که در

معرض آزار و رنج قرار می‌گیرند یتیم می‌شوند. گروهی از آن‌ها مانند احمدآقا در داستان سنگ صبور منزوی یا مثل پدر خالد در همسایه‌ها معتاد می‌شوند. یتیم افراطی در داستان عزاداران بیل نیز با ظلم روستاییان به یک‌دیگر مشاهده‌شدنی است. در آبخسوران نیز هم شخصیت‌های مظلوم‌نما وجود دارد هم ظالم. در جای خالی سلوچ هم طرح اصلاحات ارضی مشکلات بسیاری را بر سر راه کشاورزان قرار می‌دهد و در این میان آن‌ها که قدرت بیش‌تری دارند، هم‌چون یتیم‌های افراطی، به دیگران ظلم می‌کنند. یتیم تکامل‌یافته هم در این آثار بروز می‌یابد. شخصیت اسلام در عزاداران بیل، خالد و محمدمکانیکی در همسایه‌ها، کودکان داستان آبخسوران، و مرگان در جای خالی سلوچ، همگی، واقعیت‌های تلخ را می‌پذیرند و برای تغییر گام برمی‌دارند.

بنابراین، با بررسی آثار ادبی رئالیستی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی ایران این نتیجه حاصل شد که سبک ادبی رئالیسم از آن‌جاکه به بیان ظلم و تبعیض در جوامع می‌پردازد، پتانسیل نمایش کهن‌الگوی یتیم را در خود دارد؛ کهن‌الگویی که با ظلم و طردشدن فعال می‌شود و انسان را برای تکامل به سمت واقع‌گرایی و پذیرش واقعیت دعوت می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. پیرسون نام کهن‌الگوی یتیم را در سایت کاری خود به «واقع‌گرا» (realist) تغییر داده است. مشاهده در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۴۰۱، از <https://www.carolspearson.com>.
۲. «آسید ملوچ» در داستان سنگ صبور نام عنکبوتی است که در گوشه‌آفاق شخصیت اصلی قصه، احمدآقا، تار بسته است. این عنکبوت از کودکی احمد همیشه با او بوده است، با احمد بحث و گفت‌وگو می‌کند و از سختی‌های زندگی‌اش می‌گوید.
۳. برخی منتقدان داستان‌های چوبک را، باوجود روایت داستان‌های برآمده از واقعیت جامعه، ناتورالیستی می‌دانند. شاید بتوان، با توجه به منفعل‌بودن شخصیت‌های داستان‌های ناتورالیست، که مسئولیت زندگی را هیچ‌گاه برعهده نمی‌گیرند و نقش وراثت، محیط، و حکومت را همیشه عوامل اصلی ناکامی‌هایشان می‌دانند، این سبک را نیز، که از درون رئالیسم افراطی شکل گرفت، در ویژگی‌های کهن‌الگوی یتیم و به‌طور خاص یتیم افراطی جای داد.

کتاب‌نامه

آبراهامیان، یراوند (۱۴۰۰)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتحاحی، تهران: نی.

صورت‌بندی کهن‌الگوی یتیم ... (ابراهیم خدایار و سعیده مزدارانی) ۴۳

- پیرسون، کارول (۱۳۹۶)، *بیداری قهرمان درون*، ترجمه فرناز فرود، تهران: کلک آزادگان.
- پیرسون، کارول و هیوکی مار (۱۳۸۸)، *زندگی برآزنده من*، ترجمه کاوه نیری، تهران: ماز.
- چوبک، صادق (۱۳۵۲)، *سنگ صبور*، تهران: جاویدان.
- حسینی، مریم (۱۳۹۸)، *مکتب‌های ادبی جهان*، تهران: فاطمی.
- درویشیان، علی‌اشرف (۱۳۵۸)، *آبشوران*، تهران: یارمحمد.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۶۱)، *جای خالی سلوچ*، تهران: نو.
- رابرتسون، رابین (۱۳۹۸)، *یونگ‌شناسی کاربردی*، ترجمه ساره سرگلزایی، تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
- ساجکوف، بوریس (۱۳۶۲)، *تاریخ رئالیسم*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: تندر.
- ساعدی، غلام‌حسین (۱۳۴۹)، *عزاداران بیل*، تهران: نگاه.
- سهاکیان، ویلیام (۱۳۹۸)، *تاریخ فلسفه از آغاز تا امروز*، ترجمه حمیدرضا بسحاق، تهران: چشمه.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۷)، *مکتب‌های ادبی*، ج ۱، تهران: نگاه.
- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ج ۱، تهران: اسلامی.
- لویز فون فرانتس، ماری (۱۴۰۰)، *سایه و شر در افسانه‌ها*، ترجمه تورج رضا بنی‌صدر، تهران: لیوسا.
- محمود، احمد (۱۳۵۷)، *همسایه‌ها*، تهران: امیرکبیر.
- مریدی، محمدرضا (۱۳۹۷)، *گفتمان‌های فرهنگی و جریان‌های هنری*، تهران: کتاب آبان.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷)، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، تهران: چشمه.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۹)، *ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو*، ترجمه فرناز گنجی و محمدباقر اسماعیل‌پور، تهران: جامی.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۰)، *مشکلات روانی انسان مدرن*، ترجمه محمود به‌فروزی، تهران: جامی.

Mark, M. and C. S. Pearson (2001), *The Hero and the Outlaw's*, McGraw, Hill Companies:

<<https://www.carolspearson.com/about/about-carol-s-pearson-and-her-archetypal-journey>>.

Pearson, C. (1998), *The Hero Within, Six Archetypes we Live by*, Harper Collins.

